

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

دگرمن احمد کندهاری .

۰۹ سپتمبر ۲۰۱۶

اردوی نامتجانس یا "اردوی ملی افغانستان"

۷

به ادامه گذشته :

اگرچه در قسمت های قبلی راجع به اصطلاح کلمه نامتجانس اشاره نموده بودم ولی مکرراً قابل تذکار می دانم : کلمه نامتجانس در مورد اردوی "ملی" توسط جنرال "عبدالرحیم وردگ" وزیر دفاع وقت در زمان برطرفی اش از سمت وزارت به کار برده شد ، عبدالرحیم وردگ که دارای تحصیلات عالی نظامی از ایالات متحده امریکا بوده " و ادعای ارکان حرب بودن را دارد ولی نظر به معلومات شخصی، مسؤول بورس های تحصیلی وزارت دفاع آنزمان ارکان حرب نمی باشد " از آغاز وزارتش این آگاهی را داشت که بازسازی اردو به کدام سمت جهت گیری دارد ، مگر در دوران تصدی وزارت ، هیچ گاهی اردوی به اصطلاح " ملی " را نامتجانس اعلام ننمود . نامتجانس بودن به معنی نداشتن توانائی رزمی به مقابل حملات نظامی احتمالی اردو های کشور های همجوار می باشد و این معضله ساختاری اردوی " ملی " عملاً تثبیت گردید که به مقابل حملات توپچی و راکتی از جانب پاکستان در سرحدات شرقی کشور حکومت کابل به جز سکوت ، چاره ای نداشت و همچنین نیروهای حامی خارجی طبق پیمان ستراتیژیک امنیتی که از سرحدات کشور التزامیت دفاع را داشتند ، از وقوع این حملات تجاوزی بر حریم کشور نه تنها انکار نمود بل به سکوت و فراموشی سپرد . البته لازم به تذکار می دانم که جنگ های جبهه ئی منظم با جنگ های گوریلائی از نظر تاکتیک و ستراتیژی متفاوت می باشد .

لذا این قلم کلمه نامتجانس را برای تعریف و مشخصات اردوی فعلی بهترین انتخاب دانستم .

این اردو که نه تنها نامتجانس بلکه دارای ساختار یک قوای ملشیائی و وابسته به تنظیم های جهادی تحت حمایه و اداره قوای اسپیشل فورس امریکا بوده ؛ که از زمان آغاز بازسازی و متشکل شدن (سال ۲۰۰۴ م) با مصارف ده ها میلیارد دالر در این مدت زیادتز از ده سال تا اکنون هیچ دست آورد و موفقیتی رزمی نداشته است، زیرا امریکا در مقابل دوست دائمی اش پاکستان که دارای یک اردوی منظم مسلح به اسلحه زروی می باشد ، در تسلیح و مجهز نمودن یک اردوی دفاعی طبق نورم های نظامی در افغانستان ، کشور همجوار با پاکستان که اقلأ قدرت دفاع خودی داشته باشد ؛ صادقانه عمل ننموده و نخواهد کرد .

در سال های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۴ در تبلیغات یومی رسانه های داخلی و امریکائی از اردوی ۴۵۰ هزار نفری به مردم افغانستان نوید داده می شد که بعداً معلوم گردید که رقم ۴۵۰ هزار نفری مجازی و صرف برروی کاغذ بوده ، و بعد از سپری شدن یکی دو سال و ناکامی های پی در پی عملیاتی " اردوی ملی " توسط کمیته تفتیش و بررسی امریکا (سیگار) از اختلاس های بزرگ و دزدی های بزرگتر از قیاس قرارداد های لوژیستیکی اکمالاتی و جلب و احضار افراد و مراکز تعلیمی پرده برداشت .

نادیده نباید گرفت که به اثر فشار شدت جنگ های چند سال اخیر و پیشروی طالبان ، سبب گردیده تا معضله فرار سربازان از صفوف اردو همه روزه به سیرگرافیک صعودی باشد ، که این هم از یک طرف سبب کاهش رقم موجودیت سربازان در صفوف اردو می گردد ؛ و از جانب دیگر یک تعداد زیاد سربازان فراری با اسلحه و وسایط محاربه ئی شان به جبهات رزمی طالبان می پیوندند که در نتیجه بازهم بر تقویت صفوف طالبان افزود ه می گردد . نظر به راپور دهی رسانه های داخلی در دوران دو ، سه سال اخیر در کشور جنگ زده ما از مناطق شمال به ویژه قندوز(کهندژ) و بدخشان و غوروات یک مقدار هنگفت ذخائر مرمی ، سلاح و چندین عراده وسایط محاربه ئی زرهی به تصرف طالبان درآمد ، این موفقیت های رزمی در جبهات جنگ مؤثریت حیاتی داشته و توانائی رزمی آنها را در عملیات های آینده شان تضمین خواهد نمود .

این پدیده فرار و تسلمی سربازان که در دوران جنگ مقاومت بر خاسته از جنبش خود جوش آزادی خواهی مردم افغانستان ، بعداز تجاوز سوسیال امپریالیزم به آن سرحدی تنزل کرد که صفوف اردوی آنزمان را به نابودی و شکست مواجه ساخت ، شباهت زیاد دارد ؛ و تکرار تاریخ می باشد ولی ماهیت و تشکل طالبان به ویژه عملیات های انتحاری طالبان مزدور و وابسته به پاکستان با تشکل و ماهیت جنبش مردمی آنزمان دارای فرق فاحش بوده ؛ که بدبختانه در آنزمان هم جنبش مقدس مردمی توسط سران تنظیمی بازهم در تبنائی با پاکستان چاپیده شد و ریشه های نفوذ (آی اس آی) پاکستان در افغانستان تا اکنون نشکاید .

اکنون که جنگ در شمال و جنوب غرب افغانستان به شدت ادامه دارد و طرفین درگیر جنگ از موفقیت بریکدیگر ادعا می نمایند و متأسفانه در این میان قربانیان اصلی جنگ های تحمیلی فرزندان زحمتکشان کشور عزیز ما می باشد، که منجر به مهاجرت های اجباری روستا نشین ها و متوطن شدن آنها در حاشیه نشینی شهر ها انجامیده .

مناطق جنوب غرب که شامل ولایت هلمند می گردد . ولایت هلمند دارای مساحت (۶۱۸۲۹) کیلومترمربع می باشد اراضی آن به استقامت های غرب و جنوب غرب هموار و از استقامت های شمال و شرق به کوهستانها متصل می باشد؛ این ولایت دارای ۱۴ ولسوالی که عبارت اند : از موسی قلعه ، نوزاد ، باغری باغران ، کجکی و دیگر ولسوالی های کلیدی که با ایران و پاکستان هم سرحد اند ، که از نقطه نظر جنگی برای طالبان و حامیان شان (ایران و پاکستان) از اهمیت سوق الجیشی ویژه برخوردار است و بدین ملحوظ اکثرأ ولسوالی ها ، تحت سلطه طالبان قرار داشته اکنون دامنه جنگ تا داخل شهر لشکرگاه مرکز هلمند کشانده شده است .

در این ولایت بستر دریای خروشان هلمند بر اهمیت و زیبایی منطقه افزوده که از نقطه نظرتولیدات زراعتی و نیروگاه های تولید انرژی برق از منشأ حیاتی و اقتصادی برخوردار می باشد ، از نقطه نظر محصولات زراعتی که در دهه چهل و پنجاه شمسی بزرگترین منبع تولید پنبه بود ولی بعداز آغاز جنگ مقاومت و تسلط ملاکین، زرع کونکار جای کشت پنبه را گرفت که در نتیجه به مرکز مافیای مواد مخدر مبدل و درآمد سرشار تریاک بر قدرت ملاکین مسلح افزود و میدان جنگ بین طرفین همیشه گرم نگاه داشته شد است .

اکنون در حال حاضر که جنگ در هلمند به شدت ادامه دارد راپور های مشاهدین محل از جنگ با راپور دهی سخنگویان وزارت دفاع و داخله متضاد بوده ؛ طبق راپور رئیس شورای ولایتی هلمند (کریم اتل) تلفات جانی سربازان ۵۸۶ نفر اعلام نمود .

سربازان پوسته های امنیتی از نرسیدن اعاشه و معاش ماهوار شکایت داشتند " گزارش از تلویزیون طلوع " . و با موظف شدن جبار ناقهرمان " جنرال و نماینده ولایت هلمند " در رهبری جنگ های هلمند ناکامی ها دو برابر شده . شاید ناکامی های دوران (خلق - پرچم) خویش را جبار فراموش نموده باشد . آزموده را باز آزمودن خطا است .

اگر کمی به عقب برگردیم خیزش اول مردمی تحت سلطه متنفذین محلی و ملاکین در ماه عقرب سال ۱۳۵۷ بعد از صدور چند فرمان غیر دیالکتیکی کودتاچیان هفت ثور آغاز و شعله ور گردید . و بعد از تجاوز سوسیال امپریالیزم الی سال ۱۳۶۰ تماماً مناطق ولایت هلمند کاملاً از سلطه دولت پوشالی آنزمان آزاد و تنها شهر لشکرگاه مرکز هلمند و ولسوالی کجکی که در محوطه بند کجکی قرار داشت در تسلط دولت بود ولی با پرداخت و تمام شد تلفات مالی و جانی زیاد .

طوری که مشاهده می نمائیم شرایط از همان آغاز جنگ (۱۳۵۷ ش) تا اکنون به همان منوال ادامه دارد ؛ از نقطه نظر قوت های نظامی در آنزمان یک کندک اوپراتیفی در مرکز هلمند شهر لشکرگا برای امنیت داخل شهر موظف بود ، بند کجکی و محوطه آن توسط یک کندک مختلط توپچی خفیف و ثقیل که دارای قدرت آتش قوی و سریع بود محافظه می گردید .

اگر به وضع موجوده اردو نظر اندازی نمائیم کمبود سربازان اجیر در صفوف اردو به حدی رسیده که پدیده اربکی ها " نیرو های خودی دفاع " میراث شوم زمان حکومت (پرچمی ، خلقی) به تکرار تحت رهبری مافیای سلاح و قومی عرض اندام نموده و از این ناحیه به میلیون ها دالر به نفع سران قومی به اصطلاح جنگ سالاران در بانک های خارج و داخل جمع می شود ؛ که بدون داشتن دست آورد نظامی به خشونت ، اذیت و آزار مردمان محل و قدرت نمائی متنفذین و مافیای سلاح و مواد مخدر انجامیده است .

قطعات پیاده نظام اردو که دارای سلاح ثقیله توپچی ، زرهی و حمایت هوایی نمی باشند ؛ ناکامی های رزمی شان را از کمی و نداشتن آتش حمایت هوایی وانمود می دارند . این قطعات ناقص پیاده نظام به سلاح خفیفه پیاده و وسایط نفر بر محاربه ئی مسلح اند ولی نظر به سیستم بیروکراتیک آغشته به فساد در نظام وابسته دارای ادوات انفرادی از قبیل کلاه زرهی دوربین دار جاکت های ضد مرمی ، زانویند ها و آله های کشف صدا مجهز شده اند ؛ با وجود داشتن این امکانات محاربه ئی اوپورتاتیفی در مقابله با نیروی طالب توان رزمی نداشته، در نتیجه به تسلیمی ، عقب نشینی و فرار با سلاح سربازان منجر می شود . بدین ملحوظ همیشه حمایت هوایی قوای ناتو - امریکا و بدرقه اسپیشل فورس را مطالبه می نمایند تا از نابودی و سقوط کلی نجات یابند .

وسایط محاربه ئی و نیمه زرهی ترمیم شده و دست دوم بعد از خروج قطعات بزرگ امریکا به دسترس اردو گذاشته شد که باز هم به ترمیم مجدد یومی ضرورت دارد . اخبار واشکنتن پوست به استناد راپور تحقیقاتی سیگار از فساد مالی و لوژستیکی گزارش دهی نموده : تأدیة قیمت فوق العاده بلند به قراردادی ها ، برای ترمیم هر واسطه ۳۹۵،۵۱ دالر به نسبت قیمت سال گذشته ۱۸۸۹ دالر دو برابر افزایش دارد . وزارت دفاع امریکا جهت حفظ و مراقبت وسایط محاربه ئی و تعلیم ، تربیت جزواتمهای قطعات اردوی ملی به مبلغ ۴۲۳ میلیون دالر نظر به گذشته دو برابر تخمین شده و این پروگرام نسبت ترمیم نشدن دهها وسیله محاربه ئی توسط قراردادی ها به ناکامی مواجه اند . قراردادی کمپنی ترمیم

وسایط (AISS) که مرکزش در دویی می باشد به قیمت معین ۱۸۲ میلیون دلار برای پنج سال در سال ۲۰۱۰ عقد شده بود و در تکمیل نمودن مواد قرارداد برای ترمیم وسایط ناکام ماند .

تعداد این وسایط الی سال ۲۰۱۳ م (۴۴۰) عراده راپور دهی شده است که اکثراً به ترمیم ضرورت دارد . به علاوه آن که بعداز فوت مرموز ملا عمر و مخفی نمودن مرگ ملا از جانب پاکستان برای مدت دوسال که بی خبری امریکا از موضوع غیر قابل پذیرش می باشد ، باز هم هیأت رهبری واحد طالبان زیر سوال رفته ضربه پذیر گردید و تا اکنون دارای رهبری واحد نبوده اند ولی در میدان نبرد از موفقیت های آنها کاسته نشده فکر می شود که در رهبری طالبان (ای اس ای) پاکستان مداخله مستقیم و دست بالا دارد .

امریکا که عمداً خواسته اردوی افغانستان را ملیشه ئی در شرایط ضعف و ناتوانی محافظه نماید که حتی قدرت دفاع داخلی را هم نداشته باشد با پلان های استعماری آن وفق دارد . با استفاده از این پدیده شوم امریکا با شرکای ناتوی آن بر دولت مزدور و گوش به فرمانش منت می گذارد که به حمایت دائمی نیرو های امریکا و ناتو تحت شعار " مبارزه با تروریسم " اشد ضرورت دارید ؛ تا ناتوانی اردو ، نداشتن قومندانیت کارا و بلند بردن سطح تعلیم و تربیه نظامی را پوشش دهیم .

نظر به گزارش تاریخی ۳۱ جولای ۲۰۱۶ سیگار ارگان نفتیش گانگرس امریکا : بارک اوباما اعلام نمود که جهت مراقبت اوضاع امنیتی افغانستان رقم پلان موجوده (۵۵۰۰) نفری قوای مخصوص امریکا را بعداز ختم سال ۲۰۱۶ به تعداد ۸۴۰۰ نفر تثبیت و اشاره نمود که این افراد وظیفه دارند که غرض تعلیم و تربیه و مشوره دهی در بلند بردن سطح مهارت های نظامی در میدان های جنگ استخدام می گردند ، و این هم به غرض نابودی تروریسم در منطقه پلانگزارای شده .

بارک اوباما رئیس جمهور امریکا درخواست تصویب یک بودیجه ۳.۵ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۷ از کانگرس امریکا برای کمک و تقویت اردوی ملی و قوای امنیتی افغانستان پیشنهاد نموده ؛ که جهت برای برآورده ساختن موفقیت های امریکا و تقویت اردوی ملی و قوای امنیتی افغانستان الی سال ۲۰۲۰ میلادی خواهد بود . این بودیجه شامل مصارف قطعات نظامی امریکا در افغانستان هم می باشد .

همزمان جامعه بین المللی و قوای ناتو در کنفرانس وارسا اضافه تر از ۸۰۰ میلیون دلار سالانه از ۲۰۱۸ - ۲۰۲۰ میلادی برای حمایت "اردوی ملی" و قوای امنیتی افغانستان پیشنهاد گردیده .

با توجه به پلانگزارای های فوق کمیته ارزیابی (MEC) از فساد در وزارت خانه ها راپور دهی نموده، کمپنی هائی که از قرارداد های میلیون دلاری در تیبانی با قراردادی های داخلی مستفید هستند عبارت اند از :

DCMA - A (Defense Contract Management Agency Afg,)

COR (Contracting Office Representative)

AISS (Afgan Integrated support services)

DCMA - A (Defense contract management agency - Afgan)

کمپنی های که نتوانسته اند مواد قرار داد ها را تکمیل نمایند و مبالغ تخصیص داده شده از طریق همین کانال ها جهت خرید سلاح ، مهمات ، ادوات محاربه ئی ، لوژستیک و ترمیم وسایط محاربه ئی به صاحبان کورپریشن های دول سرمایه داری برگشت می نماید .

طوری که در این اواخر روسیه و چین هم دلچسپی خویش را نشان داده اند و سعی دارند که فروش اسلحه و تعلیم دهی منسوبین "اردوی ملی" را به عهده گیرند. البته این زدوبند های استعماری تحت نام مبارزه با تروریسم بوده . چین و روسیه آرزو ندارند که غرب در این منطقه ستراتیژیک آسیای مرکزی و شرق میانه یکه تاز عمل نماید .

فابریکه های سلاح سازی دول امپریالیستی و بزرگ جهان زمانی که به سلاح های مدرنتر و پیشرفته نائل گردند؛ سلاح و وسایط استعمال شده دی مود می گردد و در بازار فروش عرضه می شود . ولی روسیه فدرالی در میدان رقابت تسلیحاتی جهانی یک قدم بیشتر نهاده ، سلاح و وسایط ساخت جدید در بازار فروش عرضه می نماید . طبق گزارش "ار تی" شبکه خبری روسیه در این اواخر جدیداً وسایط موثرریزه محاربه ئی زرهی و وسایط گشرف راداری را در یک پارک وسیع به نمایش گذاشته و بازار یابی می نماید .

بر علاوه این همه کوشش های امریکا و قوای ناتو در بازسازی و تقویت "اردوی ملی" افغانستان نتوانسته تا امنیت شهر کابل پایتخت کشور را تأمین نمایند . طبق گزارش های رسانه های خبری در ۲۴ ساعت سه عملیات انتحاری توسط طالبان و نیروهای مخالف دولت واقع گردید که باز هم مردم های زحمتکش ما قربانی این حملات هستند . از نقطه نظر نظامی ضعف قوای استخباراتی آنقدر شدید می باشد که عملیات های انتحاری به اطراف دروازه های ریاست جمهوری و وزارت دفاع رسیده و این در حالی صورت می گیرد که تماماً مراکز دولتی به دیوار های موانع سمنتی احاطه شده و در تمام چهار راهی ها و نقاط دیگر گروپ های امنیتی به تلاشی وسایط نقلیه شهری و مردم محل موظف اند که به علاوه این کوشش ها در هیچ زمان از وقوع حادثات جلوگیری نتوانسته اند . دفاع و خنثی سازی عملیات های انتحاری شهری زیادتیر و کلاً مربوط به ارگان های استخباراتی می باشد که درین زمینه هم موفقیت نداشته اند و یا عمداً مساعی مشترکه بین آنها وجود دارد .

از این که این گونه عملیات ها به ساعات از تاریکی شب تا روشنایی روز ادامه نموده و تلفات زیاد به جای می گذارند اکمالات مهمات نیرو های طالبان قابل تأمل می باشد. و حدس زده می شود که اکمالات مهمات پیشکی تدارک و تهیه شده ، چون همه جوانب ذیدخل ناکامی های رزمی قوای دولتی را به فساد درونی محول می نمایند . این بیانگر آنست که مقدار زیاد مهمات سلاح خفیف توسط نیروهای دولتی به فروش می رسد ، و منبع مهم اکمالات طالبان از همین ناحیه خواهد بود . که کمی معاش ماهوار یک سرباز (مبلغ ۱۳۰ دالرمساوی به ۹۰۰۰ افغانی) تعیین شده احتمال و امکانات فروش مهمات غرض برآورده ساختن مصرف ماهوار فامیل سربازان شامل وظیفه گمانه زنی می شود .

طوریکه در این اواخر اخبار و اشنگتن پست همه روزه در مورد واقعات نا امنی افغانستان یک یا دو مضمون به نشر رسانده و علت این نا امنی ، حملات انتحاری و مشکلات اداری را بار دوش مغز متفکر دومش می نماید و به طور واضح در شماره تاریخی ۹/۷/۲۰۱۶ در بی اداره بودن و ضعف توانائی حکومتداری اشرف غنی ابراز نظر کرده اند ؛ لذا معلوم می شود که زمان مصرف غنی جان به پایان رسیده باشد .

دیده شود که پیامد این ناکامی ها چگونه در رونمائی پلانهای مخفی زیر پرده و بروز بدبختی های مردم در آینده منجر خواهد شد .

ادامه دارد .